

ادب عربی، سال ۸، شماره ۲

پاییز و زمستان ۱۳۹۵

بررسی انتقادهای محمود صاوی بر رمان‌های تاریخی جرجی زیدان (مطالعه موردی: اُرمانوسه المصریه و عذراء قریش)

عسگر بابازاده اقدم*

استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

بیژن کرمی میرعزیزی

استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه علامه طباطبایی

(از ص ۳۹ تا ۵۴)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۳۰

چکیده

رمان تاریخی در دوره معاصر ادب عربی، جایگاه ویژه‌ای میان صاحب‌نظران و مخاطبان یافته است. در این میان، رمان‌های تاریخی جرجی زیدان، نویسنده معاصر و مسیحی لبنانی، به سبب پرداختن به تاریخ اسلام، طرفداران و منتقدان فراوانی دارد. یکی از منتقدان برجسته داستان‌های وی، محمود صاوی است که انتقادهای فراوانی بر رمان‌های جرجی زیدان، وارد ساخته است. گفتار حاضر بر آن است تا با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، نظرات وی را مورد بررسی قرار دهد. آنچه به دست آمده این است که بخش عمده انتقادات وی درخور تأمل است و به دلیل برخی دیدگاه‌های یک سو نگرانه به طور قطع پذیرفتنی نیست.

واژه‌های کلیدی: رمان تاریخی، نقد، جرجی زیدان، محمود صاوی.

۱. مقدمه

رمان تاریخی در ادبیات عربی با الهام از مکتب رمانتیسیم غربی در اواخر قرن نوزدهم، یعنی در دوره رستاخیز فرهنگی عرب (أبوخلیل، ۱۹۸۸: ۳۶۵) پا به عرصه وجود نهاد و در سیر تکوینی خود، دچار تغییر و تحولات گوناگونی گردید. این نوع رمان، به دلیل ویژگی‌های خاص خود و معرفی شخصیت‌های تاریخی و نیز بنا به هدف پیشوایان رمان‌نویسی تاریخی، جایگاه ویژه‌ای در میان عموم پیدا کرد؛ چنانکه محمد غنیمی هلال در این زمینه معتقد است: «عربها بیش از هر چیز در رمان‌های تاریخی، در توصیف عواطف، تمجید از عظمت از دست‌رفته قومی و ملی و نیز برای گریز از وضع فعلی به سبب ساخت آینده‌ای بهتر، از مکتب رمانتیسیم تأثیر پذیرفته‌اند» (هلال، ۱۳۷۳: ۳۳۳-۳۳۰).

اگر بدون در نظر گرفتن برخی اختلافات که درباره پیشوایی رمان‌نویسی تاریخی در ادبیات عربی وجود دارد، جرجی زیدان، نویسنده مسیحی لبنانی (۱۸۶۹-۱۹۱۴م) را پرچم‌دار این حوزه قلمداد کنیم، (ر.ک: المحص، ۲۰۰۴: ۴۱) و داستان‌های تاریخی وی را از لحاظ محتوایی و ساختار داستانی، بررسی و دیدگاه منتقدان و صاحب‌نظران را درباره این داستان‌ها، ملاحظه کنیم، خواهیم دید که صاحب‌نظران و منتقدان در برابر این رمان‌ها دو دسته‌اند: دسته اول: مؤید و تصدیق‌کننده؛ همچون محمد عبدالغنی حسن که در اثر خویش با عنوان *جرجی زیدان می‌نویسد*: «او یک مورخ و معلم تاریخ عرب و اسلام است و برآن بوده است که تاریخ عرب را با شیوه‌ای جذاب و شیوا و بدون تکلف‌هایی که در آثار تاریخی محض دیده می‌شود، به عرب‌ها آموزش دهد.» (همان: ۴۱) و دسته دوم که به دیده تردید در این داستان‌ها نگریسته و گاه همچون شوقی ابوخلیل در کتاب *جرجی زیدان فی المیزان*، به صورت متعادلی از این داستان‌ها و هدف نویسنده از خلق آنها انتقاد کرده‌اند و گاه همچون محمود صاوی در کتاب *کتابات جرجی زیدان*، به صورت موشکافانه و تند به ردّ این رمان‌ها پرداخته‌اند. این گفتار درصدد است تا دیدگاه‌های نویسنده اخیر را در این زمینه مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

روش پژوهش حاضر، شیوه توصیفی - تحلیلی است که در آن، ابتدا نقدهای محمود صاوی بر دو رمان *ارمانوسه المصریة* و *عزراء قریش* بیان شده و سپس میزان مقبولیت این نقدها با استناد به منابع اصیل و معتبر در این زمینه بررسی شده است. پرسش

اصلی پژوهش حاضر این است که: مهم‌ترین انتقادهای محمود صاوی بر این دو داستان چیست و این انتقادهای تا چه اندازه بر این داستان‌ها وارد است؟

به طور کلی دربارهٔ رمان‌های تاریخی جرجی زیدان، آثاری چند در قالب کتاب، به رشتهٔ تحریر درآمده است؛ همچون دو اثر یادشده در سطور پیشین و کتاب جرجی زیدان نوشتهٔ محمد عبدالغنی حسن. در قالب مقاله نیز می‌توان به مقالات «نقد و بررسی رمان‌های جرجی زیدان» از زیبا اکبرزاده (۱۳۸۸) و «جایگاه جرجی زیدان در داستان-نویسی معاصر عربی» از خلیل پروینی و هومن ناظمیان (۱۳۸۵)، و «شخصیت‌پردازی زن و جایگاه اجتماعی وی در رمان‌های تاریخی جرجی زیدان» از عسگر بابازاده اقدم و محمد کریمی (۱۳۹۲) اشاره کرد. بیشتر این آثار، داستان‌های جرجی زیدان را از جنبهٔ عناصر داستان‌نویسی تحلیل کرده و از بررسی محتوای تاریخی داستان‌ها که محور اصلی این پژوهش است، سخنی به میان نیامده است. بنابراین به جرأت می‌توان گفت که تا کنون پژوهشی مستقل با تکیه بر محتوای تاریخی این رمان‌ها و نقد آنها، سامان نیافته است. این داستان‌ها توسط یکی از صاحب‌نظران عرصهٔ نقد محتوایی رمان‌های تاریخی به چالش کشیده شده است؛ اما خود این نقد تا کنون مورد نقد واقع نگردیده است و این همان مسأله‌ای است که نویسندگان جستار حاضر، بدان پرداخته‌اند.

۲. جرجی زیدان

جرجی زیدان، ادیب، مورخ و روزنامه‌نگار مسیحی لبنانی‌الاصول در سال ۱۸۶۱م در بیروت متولد شد. او در پنج سالگی روانهٔ مدرسه شد تا با آموختن سواد و حساب، به پدرش در امور شغلی یاری دهد. او پس از مدتی، زبان انگلیسی را در یک مدرسهٔ شبانه فرا گرفت و سپس به عضویت انجمن «شمس البر» درآمد که این عضویت موجب شد وی با افرادی چون یعقوب صروف، فارس نمر و پطرس بستانی و پسر وی (سلیم) آشنا شود و این آشنایی در رشد و شکوفایی فکری و علمی جرجی زیدان بسیار تأثیرگذار بود (الدیب، ۱۹۹۸: ۷۶). وی در سال ۱۹۸۱م با مشارکت نجیب متری، مؤسس انتشارات دارالمعارف، چاپخانه‌ای به نام «التألیف» تأسیس نمود؛ اما پس از یک‌سال شراکتشان پایان یافت و زیدان به تنهایی ادارهٔ آن را بر عهده گرفت و نامش را به «الهلال» تغییر داد. این مجله در کمتر از پنج سال بسیار مشهور شد و به منزلهٔ پلی میان زیدان و مخاطبانش گردید (اکبرزاده، ۱۳۸۸: ۱۰). زیدان بیشتر تألیفات خویش را پیش از چاپ در قالب کتاب، در این مجله در معرض دید مخاطبان قرار می‌داد (عصام: ۱۹۸۸: ۱۴۰) و

مدت‌ها این روند را ادامه داد تا اینکه در سال ۱۹۱۴م در ۵۳ سالگی در دفتر کار خویش درگذشت.

۳. رمان تاریخی

رمان تاریخی یکی از انواع مختلف رمان است که به نوسازی شخصیت، سلسله حوادث، فرهنگ، روح و حال و هوای یکی از اعصار گذشته می‌پردازد. این نوع رمان که سرگذشت قهرمانان روزگاران پیشین را حکایت می‌کند، ماده اولیه‌اش را از تاریخ می‌گیرد و تاریخ در آن، نقش پس‌زمینه را دارد. در این گونه ادبی، آگاهی‌های دقیق تاریخی از هر آنچه که بر روزگار مورد نظر، از لحاظ نظم و آداب و رسوم حاکم است، ضروری است (ولی‌نیا و محمدی، ۱۳۹۲: ۱۳۶). قلب این نوع رمان را تخیل تاریخی تشکیل می‌دهد؛ تخیلی که از شناخت درست تاریخ، سرچشمه گرفته باشد و لازمه آن شناخت گسترده و عمیق نویسنده از دورانی است که قصد دارد آن را در قالب داستان، به تصویر بکشد (پروینی، ۱۳۸۵: ۱۶).

۴. رمان‌های جرجی زیدان در یک نگاه

جرجی زیدان در مدت ۲۵ سال (از ۱۸۸۹م تا ۱۹۱۴م) ۲۱ رمان تاریخی را به رشته تحریر درآورد؛ موضوع این رمان‌ها همگی تاریخ اسلامی است (حسن، ۱۹۷۹: ۱۷۷) و می‌توان آنها را بر اساس دوره‌های تاریخی که به تصویر کشیده‌اند، به شرح ذیل دسته‌بندی کرد.

۴-۱. صدر اسلام و عصر فتوحات

شامل رمان‌های فتاة غسان و أرمانيوسة المصريّة، عذراء قریش و ۱۷ رمضان، غادة كربلاء، الحجاج الثقفی، فتح الأندلس، شارل و عبدالرحمن، أبو مسلم الخراساني، العباسه أخت الرشيد، الأمين و المأمون، عروس فرغانة، أحمد بن طولون، عبدالرحمن الناصر، فتاة القيروان و صلاح الدين الأيوبي.

۴-۲. انقراض بني عباس: شجرة الدر

۴-۳. دوران ممالیک: استبداد الممالیک

۴-۴. دوران معاصر: المملوک الشّارد، أسیر المتمددي، الانقلاب العثماني (المحص، ۲۰۰۷: ۷۷).

نگاهی به موضوع داستان‌های یادشده نشان می‌دهد که نویسندگان به دوره‌های آرام و بی‌دغدغه تاریخ عرب و اسلام یا دوره‌های با ثبات تاریخی نپرداخته است؛ بلکه به مقاطعی پرداخته که در آن، دو عنصر یا دو فرهنگ در حال جدال و کشمکش با یکدیگرند. به نظر می‌رسد این امر دو دلیل داشته باشد: اول اینکه زیدان، با هدف جلب توجه مردم عادی به تاریخ، به نگارش این داستان‌ها اقدام کرده است؛ ازین رو نمی‌توانسته از حال و فضای داستان‌های عامیانه فاصله بگیرد (پروینی، ۱۳۸۵: ۱۹)؛ به همین جهت ناچار است برای جلب توجه این گروه و علاقه‌مند ساختن آنان به مطالعه تاریخ در قالب داستان، از عامل حادثه و ماجراجویی به عنوان عامل مشوق بهره‌گیرد. علت دیگر را بایستی در ویژگی ذاتی رمان‌های تاریخی جستجو کرد که همان پرداختن به دوره‌های پرتنش و پرحادثه و نهایتاً ذکر حوادث و اتفاقات زیاد در آنهاست (همان: ۱۶۱).

در اغلب این داستان‌ها معمولاً نویسنده در آغاز، حدود یک یا دو صفحه را تحت عنوان «فذلکة تاریخیة» به بیان مقدمه‌ای تاریخی درباره داستان‌هایی که قصد خلقش را دارد، اختصاص می‌دهد و در خلال آن به ارائه اطلاعات تاریخی و جغرافیایی درباره آن دوره می‌پردازد. همچنین نویسنده در آغاز داستان، قهرمان و شخصیت‌های اصلی را برای خواننده مطرح می‌کند و نیز منابع تاریخی را که از آنها استفاده کرده است، ذکر می‌کند و این را می‌توان نشانه‌ای از اهتمام نویسنده به تاریخ و حقایق آن دانست (اکبرزاده، ۱۳۸۸: ۱۱).

آراء و نقدهای فراوانی درباره رمان‌های تاریخی جرجی زیدان مطرح شده است که می‌توان آنها را بدین صورت ذکر کرد:

۱- عده‌ای صفت رمان بودن را از آنها سلب می‌کنند؛ چرا که زیدان در آنها قواعد فنی رمان‌نویسی را رعایت نکرده است (الدسوقی، ۱۹۷۰: ۹۴/۱).

۲- عده‌ای بر این باورند که نویسنده این داستان‌ها، مسئولیت تمام حوادث و اعمال مهم را به شخصیتی خیالی واگذار کرده و بر آنها لباس قهرمان پوشانده است (ابوخلیل، ۱۹۸۲: ۱۴۰).

۳- برخی معتقدند در این رمان‌ها، به منابعی کم‌اهمیت و دارای اهداف مغرضانه و مشکوک، استناد شده است (دوارة، ۱۹۸۳: ۱۸۲).

۴- برخی نیز سرتی نگه داشتن بعضی مسائل و احیاناً بی‌توجهی و عدم دقت در علل بعضی رخداد‌های مهم را از نقدهای وارد بر این رمان‌ها دانسته‌اند (الصاوی، ۲۰۰۰: ۴۲۰).

۵- عده‌ای دیگر، اهمال کامل در مورد منابع دینی را مهم‌ترین ضعف این رمان‌ها دانسته‌اند؛ چراکه معتقدند این ضعف برای کسی که درباره اسلام و رهبران و شخصیت‌های مختلف آن مطالبی می‌نویسد، قابل چشم‌پوشی نیست (ر.ک القاعد، ۲۰۰۹: ۳۵).

نقد‌های یادشده از میان دیدگاه‌های صاحب‌نظران عرصه نقد و رمان استخراج شده است و همان‌طور که می‌دانیم، نقد صرفاً به معنای یادکرد نقاط ضعف یک اثر نیست و بایستی در کنار آن به نقاط مثبت نیز اشاره نمود. از این‌رو به جرأت می‌توان گفت دیدگاه‌های محمود صاوی در خصوص داستان‌های جرجی زیدان، «نقد‌هایی برجسته» بوده‌اند و در اثر یادشده ۵۳۰ صفحه‌ای وی، موردی از بیان نقاط قوت این داستان‌ها مشاهده نمی‌گردد و این امر دلیل اصلی انتخاب بررسی دیدگاه وی از سوی نگارندگان گفتار حاضر، است.

۵. محمود صاوی

محمود صاوی یکی از صاحب‌نظران عرصه نقد رمان تاریخی از اوایل دهه نود میلادی به بعد است که با اختصاص پایان‌نامه کارشناسی ارشد خویش به بررسی محتوای تاریخی رمان‌های تاریخی جرجی زیدان که گرایش تاریخ اسلامی دارند، پرداخته است. او دکتری زبان عربی و فلسفه اسلامی خویش را از دانشگاه الأزهر مصر دریافت کرده و هم‌اکنون استاد دانشگاه الأزهر و دانشگاه اسلامی امام محمد بن سعود است. وی پس از دفاع از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود، آن را در قالب کتابی با عنوان *کتابات جرجی زیدان؛ دراسة تحليلية في ضوء الاسلام* به چاپ رسانید و انگیزه خود را از بررسی رمان‌های تاریخی زیدان، مسیحی بودن جرجی زیدان و وقوف به نقش مجله مشهور وی، *الهلل*، در غربی‌سازی جامعه مصر یاد کرده است (ر.ک: صاوی، ۲۰۰۰: ۱۳).

۶. معرفی و نقد رمان *أرمانوسة المصریة*

این اثر ۲۶۸ صفحه‌ای، چهارمین داستان تاریخی جرجی زیدان است که در سال ۱۸۹۵م به نگارش درآمده است. ماجرای آن بیان حوادث دوره‌ای است که در آن قبطی‌ها بر مصر، حکمرانی می‌کردند تا اینکه سپاه اسلام به فرماندهی عمروعاص به مصر لشکرکشی نمود. در این اثر، جزئیاتی از فتح مصر و اسکندریه توسط سپاه اسلام و شمه‌ای از شرح و توصیف آداب و رسوم عرب‌ها و اوضاع مردم و رومیان ساکن مصر، ذکر شده است.

۱-۶. انتقاد نخست و پاسخ به آن

یکی از شبهه‌هایی که صاوی در مورد این اثر ذکر کرده، این است که وی علت‌هایی غلط و غیرموجه را برای پیروزی‌های مسلمانان، یاد کرده است. او معتقد است که نویسنده، درگیری‌ها و جنگ‌های میان مسلمانان و رومیان را در مصر به صورت گذرا و کم‌اهمیت نشان داده است؛ به عنوان مثال، او از دعوت مسیحیان به اسلام توسط مسلمانان، بسیار سطحی یاد نموده و یا وقتی زیدان، قصد داشته است که از اسلام و دعوت به این آیین الهی، سخن براند، صرفاً به نامه‌ای که پیامبر (ص) آن را به وسیلهٔ پیک‌هایش به پادشاهان اسلام و سرزمین‌های مختلف فرستاده بود، بسنده کرده و فقط در چند سطر، آن را بیان کرده است^۱ (الصاوی، ۲۰۰۰: ۴۳۵). صاوی در ذیل این ایراد، زیدان را با لفظ «خواجه» که لفظی تحقیرآمیز است یاد می‌کند (جر، ۲۰۰۰: ۸۳۵/۱) و یادآور می‌شود که چطور زیدان با ذکر همین چند سطر، رمان خویش را رمان تاریخ اسلام نام نهاده است (الصاوی، ۲۰۰۰: ۴۳۷).

در پاسخ به این انتقاد باید گفت که صاوی برای ردّ این رمان تنها یک شاهد ذکر کرده است؛ حال آن که موارد و شواهد متعددی بر ذکر تاریخ و حوادث اسلامی و دعوت مسیحیان به اسلام در این اثر قابل تأمل است. نگاه به صفحات ۴۷، ۵۴، ۱۶۲، ۲۰۸ و ۲۱۷ این رمان، اثبات‌کننده مدّعی حاضر است (زیدان، ۱۹۹۸).

همچنین به نظر می‌رسد نایستی مفهوم رمان تاریخی را با تاریخ محض، یکی بدانیم؛ چون رمان تاریخی، بازآفرینی تاریخ در قالب داستان است و به هر حال اساس داستان را عنصر ابداعی و تخیل نویسنده تشکیل می‌دهد و اگر از نویسنده انتظار داشته باشیم خود را تنها مقید به حقایق تاریخی نماید، اثرش بیش از آنکه جنبهٔ هنری داشته باشد، به یک اثر تاریخی صرف تبدیل می‌گردد. سامی یوسف الیوسف، منتقد معاصر رمان تاریخی، در این زمینه معتقد است: «آنچه در آن شکی نیست، این است که رمان تاریخی، آنگاه ارزش واقعی خود را به دست می‌آورد که بتواند تاریخ را به هنر تبدیل کند و نویسندهٔ رمان تاریخی بایستی بیش از آنکه مورخ باشد، هنرمند، حساس و نکته‌سنج باشد» (الیوسف، ۲۰۰۹: ۲۶).

۲-۶. انتقاد دوم و پاسخ به آن

صاوی همچنین معتقد است زیدان تمام این رمان را به جای ذکر مسائل مربوط به تاریخ اسلام، به حوادث عاشقانه و روابط و ماجراهای اتفاق‌افتاده میان عاشق و معشوق

اختصاص داده است و او می‌خواهد چنین القاء کند که علت فتح مصر به دست مسلمانان، اشتغال فرماندهان و جنگ‌آوران رومی به مسائل شخصی و روابط عاشقانه آنها بوده است و اگر فرماندهان و امیران رومی، چنین مشغله‌هایی نداشتند، هیچ‌گاه عرب‌ها، توان فتح مصر را نداشتند^۲ (صاوی، ۲۰۰۰: ۴۳۶).

در پاسخ به این نقد نیز می‌توان گفت که در رمان تاریخی، مسائل تاریخی بایستی با مسائل هنری و تخیلی که مسأله عشق و عاشقی نیز یکی از آنهاست، آمیخته شود. در غیر این صورت، نمی‌توان آن را رمان تاریخی نامید. نویسنده رمان تاریخی می‌کوشد به وجوه ظاهراً حقیقی‌تر تاریخ، عنصری هم از تخیل بیفزاید و با استفاده از اغراق و برجسته‌سازی و کنش‌های هیجان‌انگیز شخصیت‌ها، از خسته‌کنندگی و بی‌ظرافتی رخدادهای تاریخی بکاهد (ولی‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۴۴). برای رمان‌نویس مورخ، گزارش صرف تاریخ، کفایت نمی‌کند. او با تصویرگری ماهرانه به بیان آداب و رسوم رایج و عادات و خلق‌وخوی مردمان می‌پردازد و بدین‌ترتیب گزارش را بسط می‌دهد و فضایی خلق می‌کند که خواننده می‌پندارد نویسنده با قهرمانان رمان، هم‌عصر و معاصر بوده و مجالس و جشن‌های ایشان را دیده است.

گاه موضوع رمان، حادثه‌ای است که تنها سطر یا سطور از تاریخ را به خود اختصاص داده است؛ اما نویسنده سال یا سالیانی به تصویرگری آن پرداخته و روایتی بلند، بدیع و هیجان‌انگیز از آن خلق کرده است (هلال، ۱۳۷۳: ۱۹)؛ لذا با توضیحاتی که ارائه شد، در این داستان علاوه بر ذکر قضایای عاشقانه، به ذکر قهرمانی‌ها و خصوصیات مسلمانان نیز پرداخته شده است: «انَّ العربَ أهلُ شُهامةٍ وإقدامٍ وشجاعةٍ ولاغروا إذا فتحو الأمصارَ وأخضعوا الملوكَ و...»^۳ (زیدان، ۱۹۹۸: ۹۶) یا در جایی دیگر از این اثر در مورد فضیلت و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز مسلمانان و مسیحیان از زبان عمروعاص چنین آورده است: «انَّ النَّصارى أهلُ الكتابِ حقاً وقد أوصانا بهم النبی خیراً.»^۴ (همان، ۱۰۸) که به نظر می‌رسد نویسنده در اثر خود به جای توصیف صحنه‌های جنگ و خون‌ریزی میان عرب‌ها و مصریان، منطق صلح‌طلبی و هم‌زیستی و اجتناب مسلمانان از جنگ و کشتار را به صورت غیرمستقیم مد نظر داشته است. چنان‌که از قول عمروعاص خطاب به مقوقس، احادیثی را از پیامبر اکرم (ص)^۵ نقل نموده است که در آن به معاشرت و دوستی با مسیحیان و مسلمانان و اماکن مذهبی ایشان توصیه شده است: «إِنَّ اللهَ سَيفتَحُ عَلَیْکُم بعدی مصر، فاستوصوا بقبطیها خیراً فَإِنَّ لَکُم فِیْهَ صَهراً وَ ذمَّةً.»^۵ (همان، ۱۴۰) و در ادامه

عمرو عاص آیه‌ای از قرآن را که در آن به معاشرت و خوش رفتاری با مسیحیان توصیه شده است، یاد می‌کند: «وَلَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بَأَنَّ مِنْهُمْ قِسِّيِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (مائده: ۸۲)» (همان: ۱۴۵).

نیز آنگاه که عمرو عاص جهت مقابله با رومیان، سپاه خود را آماده می‌کند، چنین آنان را مورد خطاب قرار می‌دهد:

«يا أهل الإسلام والایمان، يا حملة القرآن يا أصحاب محمد صلى الله عليه وسلم، إنا ذاهبون لمقابله الروم، فاصبروا صبر الرجال، ثبوا أقدامكم ولا تزلزلوا صفوفكم ولا تنقضوا نباتكم ولا تخطوا خطوةً آلاً و أنتم تذكرون الله ولا تبدأوهم بالقتال حتى يبدأوكم وأشروعوا الرماح واستتروا بالدرق والرموا الصمت آلاً من ذكر الله ولا تحدثوا حدثاً حتى أمرکم.» (همان: ۱۱۵).

لذا به نظر می‌رسد محتوای پیام حاضر، نشان‌دهنده این واقعیت است که کشورگشایی مسلمانان با زور شمشیر نبوده و گمان می‌رود زیدان عملاً چنین منشی را برگزیده تا شبیه گسترش اسلام با شمشیر، از اذهان زدوده شود.

۳-۶. نقد سوم و پاسخ به آن

یکی دیگر از نقدهایی که صاوی درباره این رمان ارائه کرده است، شیوه توصیف ظاهری شخصیت‌های داستان است. او می‌گوید: زیدان، برخی از شخصیت‌ها را به صورتی ناشایست و به دور از شأن آنها وصف نموده است؛ برای مثال عمرو عاص را به هیئت فردی کوتاه قامت، گشاده چشم، دارای لباس فراخ شبیه به عقاب و ... توصیف نموده است و در ادامه متذکر می‌شود این نوع توصیف، بیانگر شخصیت عظیم و فرمانده بزرگ اسلام و کسی چون عمرو عاص نیست (الصاوی، ۲۰۰۰: ۴۴).^۷ وی معتقد است زیدان با انتخاب این گونه توصیفات بر آن بوده است تا او را فردی حقیر و کم‌ارزش جلوه دهد.

در پاسخ به این تلقی صاوی، بایستی بدانیم که در تعالیم اسلامی، قیافه و ظاهر فرد، نشانی از شخصیت او تلقی نمی‌شود؛ همان‌گونه که در تاریخ طبری، امام علی^(ع) و صفات ظاهری ایشان چنین بیان شده است: «مردی بوده تیره‌رنگ، با چشمانی درشت و شکمی برآمده و سرطاس و مایل به کوتاهی.» (طبری، ۱۳۵۲: ۲۹۵/۶) یا در کتاب الطبقات، امام علی^(ع) این چنین وصف شده است: «سیه‌چرده بود و چشم‌هایش درشت و مشکی و

شکمش ستبر و جلوی سرش بدون مو و در عین حال به کوتاه قامتی، نزدیک تر بود» (الواقدي، ۱۳۷۴: ۱۹/۳).

۷. معرفی و نقد رمان عذراء قریش

این اثر ششمین رمان تاریخی جرجی زیدان است که در ۲۳۷ صفحه در سال ۱۸۹۸م به رشته تحریر درآمده است. نویسنده در این رمان به دلایل قتل عثمان و نیز ولایت امام علی^(ع) پرداخته و در آن فتنه‌ها و آشوب‌هایی را که در پی این حوادث به وجود آمده، توضیح داده است. گفتنی است طرح این داستان، جریان دلدادگی دو جوان به نام اسماء و محمد بن ابی‌بکر به همدیگر است که تمام حوادث حول محور آن می‌چرخد.

۷-۱. نقد اول و پاسخ به آن

نخستین نقدی که صاوی درباره این رمان مطرح نموده، این است که زیدان در این رمان، عایشه را به صورت فردی نشان داده که سعی در ریختن خون مردم داشته و از صلح‌گریزان است (۲۰۰۰: ۴۲۲).^۸

برای روشن شدن مطلب مذکور، بایستی بدانیم آنگاه که عثمان زنده بود، عایشه خود یکی از مخالفان سرسخت وی بود (شهیدی، ۱۳۶۳: ۱۲۵)، ولی بعد از کشته شدن وی، در مقام انتقام‌خواهی از قاتلان وی برآمد و انگشت اتهام را به سوی امام علی^(ع) نشانه گرفت و عثمان را مظلوم خواند و در پی آماده ساختن مقدمات جنگ با امام علی^(ع)، به بدترین شکل، مردم را به تجاوز به حق ایشان وادار ساخت. او در یکی از سخنرانی‌هایش چنین گفت: «بدون شک وظیفه شایان شما که وظیفه‌ای نیز جزء آن ندارید، این است که قاتلان عثمان را گرفته و قانون خدا را برپا دارید...» (عبدالمقصود، ۱۳۷۲: ۱۱۸). با این حال، آنچه در این داستان می‌بینیم چیزی خلاف آن است که صاوی مدعی شده است. نمونه آن ذکر گفتگوی اسماء و عایشه است که در آن اسماء از عایشه، دلیل بروز جنگ را می‌پرسد و عایشه با حالتی بهت‌زده جواب می‌دهد: «لقد کنا علی موعداً الصلح ولسنا ندری ماذا حملهم علی نقضه. ... قالت أسماء: وهم یزعمون انکم الناقضون قالت: بل ... لأننا بتنا علی صلح، فاصبحنا وإذا هم یقاتلوننا...» (زیدان، ۱۹۹۸: ۱۸۰).

با اندک تأملی در محتوای این گفتگو روشن می‌شود که زیدان بر آن نبود تا عایشه را عامل اصلی جنگ جعل معرفی کند (حداقل خلاف آنچه صاوی مدعی شده است)، بلکه جمله «وهم یزعمون انکم الناقضون» نشان از آن دارد که در پی دسیسه‌ای، توافق قبلی

لغو و آتش جنگ شعله‌ور گردیده است. نکته قابل تأمل بعدی، نوع برخورد امام علی^(ع) با عایشه پس از اتمام جنگ است؛ اگر زیدان قصد تشویه چهره عایشه را داشت، به هیچ وجه این عبارت را در داستان یاد نمی‌کرد که در آن امام علی^(ع) به یاران خویش دستور داد، هیچ فراری را دنبال نکنند و به هیچ خیمه‌ای وارد نشوند: «وعلی یقول لرجاله: أرسلوا من ینادی فی الناس أئلاً تبعوا مدبراً و لایجهزوا علی جریح و لایدخلوا الدور...»^{۱۰} (همان: ۱۸۲) و در مورد خود عایشه نیز به محمدبن ابی‌بکر دستور داد: «ای محمد، قبه ای برای خواهرت برپا کن و ببین که زخمی نشده باشد» (همان: ۱۸۴).

۷-۲. نقد دوم و پاسخ به آن

صاوی در جایی دیگر از کتاب خویش یادآور شده است که زیدان با خلق شخصیتی خیالی و موهوم به نام اسماء که دارای آیینی مسیحی بود، برآن بوده که وی را شجاع‌تر، با شهامت‌تر، عاقل‌تر و دارای احساس مسئولیتی بیشتر از عایشه نسبت به امور مسلمین نشان دهد (۲۰۰۰: ۴۴۵).^{۱۱}

در پاسخ به این نقد باید گفت که به نظر می‌رسد استفاده از شخصیت خیالی در رمان، یکی از ملزومات رمان‌نویسی است و نویسنده داستان می‌تواند در آفرینش شخصیت‌هایش آزادانه عمل کند؛ یعنی با قدرت تخیل، شخصیت‌هایی را بیافریند که با معیارهای واقعی سازگار نباشد و از آنها حرکاتی سرزند که از خالق او ساخته نباشد و با آدم‌هایی که هر روز در زندگی واقعی می‌بینیم، تفاوت داشته باشد (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۸۴). همچنین بایستی اذعان نمود که گاه شخصیت‌های یک داستان می‌تواند نمادی از خود نویسنده باشد؛ به این صورت که نویسنده، افکار و تلقی‌های خاص خود را در مورد موضوعی خاص، از زبان آن شخصیت در متن داستان بیان کند که از این لحاظ می‌توان مسیحی بودن زیدان را با مسیحی بودن اسماء در یک‌راستا دانست؛ یعنی زیدان قصد داشته است از زبان اسماء، از حقانیت امام^(ع) دفاع کرده باشد. درباره مطلب اول که صاوی معتقد است زیدان، اسماء را فردی فراتر از عایشه عرضه نموده است، میرصادقی براین باور است:

«اگر در داستان، اشخاص نامأنوس و با رفتار و خلق و خویی غریب وجود داشته باشند، نویسنده بایستی با گفتار و اعمال مستدل شخصیت‌ها، آن‌ها را به خوانندگان بشناساند تا خوانندگان با خصوصیت‌ها و خصلت‌های روحی و خلقی آن‌ها مأنوس شوند و با آنها

همدرد و موافق باشند و در برابر اعمال و افکار آن‌ها از خود واکنش نشان دهند»
(میرصادقی، ۱۳۸۵: ۸۹).

۷-۳. نقد سوم و پاسخ به آن

از دیگر شبهه‌های مطرح‌شده از سوی صاوی در این داستان این است که در رمان یادشده، عثمان به چپاول‌گری و خیانت به ملت و ذلت در برابر بعضی اطرافیان توصیف شده است (۲۰۰۰: ۴۴۷).^{۱۲}

سیوطی، یکی از مورخان برجسته، معتقد است که اگر در مورد چپاول اموال مسلمانان به حکومت عثمان نظری بیفکنیم، می‌بینیم که در آن سیرت خلیفه دوم که همانا سخت‌گیری و مراقبت وی در کار بزرگان قریش و سابقان در اسلام و از بین بردن ثروت‌اندوزی و ... بود، به سبب نرم‌خویی عثمان و خویشاونددوستی وی، به فراموشی سپرده شد. او خزانه را ملک شخصی خلیفه می‌دانست و جایز می‌دانست که هر گونه بخواهد، در آن تصرف کند (۲۰۱۰: ۱۱۳).

همچنین شکایت امام علی^(ع) در این زمینه، تاییدی دیگر بر این مطلب است که در نهج البلاغه می‌فرماید: «... تا آن که سومی به خلافت رسید، دو پهلویش از پرخوری باد کرده ... خویشاوندان پدری او از بنی‌امیه به پا خاستند و همراه او بیت‌المال را خوردند و بر باد دادند؛ چون شتر گرسنه‌ای که به جان گیاه بهاری بیفتد...» (سیدرضی، ۱۳۸۵: ۳۱). در حالی که صاوی در مورد تسلیم بودن عثمان در برابر اطرافیان معتقد است وی به دلیل حیای بی‌نظیر خود و تأثیر آن در روحیات و اعمالش یا گهگاه به اقتضای اوضاع، در بعضی از موارد، از برخورد با اطرافیان و راندن آنان خودداری می‌کرد (۲۰۰۰: ۴۴۷).

بنابراین هرچند که زیدان در رمان‌نویسی متأثر از والتر اسکات بود و شیوه‌های داستان‌نویسی او را سرلوحه کار خویش قرار داده بود، اما به سبب پیشگامی در رمان تاریخی عربی، الگویی عینی در ادب عربی برای کار خویش نداشت. از این‌رو بسیار طبیعی می‌نماید که اولین اقدامات در مورد یک نوع ادبی، دارای نقایص و ایرادهای خاص خود باشد. گذشته از این، درباره‌گفتار یادشده، بایستی اذعان نمود که شخصیت‌های داستان‌های او عموماً بدون هیچ پیچیدگی رفتاری هستند و خواننده می‌تواند خصایل ریز و درشت آن‌ها را به ذهن بسپارد و به راحتی در مورد آن‌ها قضاوت نماید؛ چرا که زیدان در بازنمایی رفتار شخصیت‌ها، هرگز به تحلیل ریشه‌های وقایع و علل آنها و به تبیین موقعیت و وضعیت فردی ویژه شخصیت‌ها توجهی نشان نمی‌دهد و

از این بابت به سبب ضعف در شخصیت‌پردازی، می‌توان دلایل و انتقادات منتقدان را تا حدودی موجه دانست.

۸. نتیجه

در پایان این پژوهش، موارد زیر را می‌توان به عنوان نتایج برآمده از آن چنین برشمرد:

- ۱- با نگاه به ادبیات داستانی عرب می‌توان نقش جرجی زیدان را در شکوفایی آن به وضوح مشاهده کرد؛ وی نگارش تاریخ به شیوه جدید علمی را رواج داد و داستان را در خدمت تاریخ قرار داد و از آن طریق، تاریخ را به مردم تعلیم داد.
- ۲- نگاه جرجی زیدان به تاریخ، تنها از منظر سیاسی نبود. او همچنین تاریخ را آمیزه‌ای از تمدن، آداب و رسوم و اخلاق و ادب می‌دانست و بیشتر برآن جنبه از تاریخ توجه داشت که با عامه مردم مرتبط باشد.
- ۳- می‌توان ادعا کرد که جرجی زیدان احاطه کاملی بر زبان و ادبیات عربی داشته است و مطالب اصلی را از منبع اصلی، بی واسطه اقتباس کرده است.
- ۴- در مورد انتقاداتی که از محتوای رمان‌های تاریخی جرجی زیدان وجود دارد، قدر مسلم این است که نگرش‌های متفاوت نمی‌تواند شرایط حاکم بر تاریخ را دگرگون سازد، اما می‌تواند از نگرش محققان دیگر آیین‌ها همچون زیدان، اطلاعاتی به ما دهد تا ما بتوانیم سره را از ناسره تشخیص دهیم.
- ۵- از آنجا که پیدایش رمان تاریخی عربی به پیشوایی جرجی زیدان، همزمان با روزگار تحول و تجدد ادبی سیاسی و فرهنگی عرب‌ها، یعنی نهضت همراه بود، به نظر می‌رسد ایرادات موجود در داستان‌های زیدان تا حدود زیادی ناشی از آن شرایط نیز باشد.

پی‌نوشت

۱. فقد صور المؤلف المعارك الإسلامية مع الرومان، بصورة باهتة الظلال بل مشوهة في كثير من الأحوال ... فنجده قد ابتسر الحديث عن الدعوة إلى الإسلام ومرّ عليه مروراً عابراً، في الوقت الذي أفاض الحديث فيه عن المسيحية جاء حديثه عن الإسلام والدعوة إليه، وإعلام الدنيا كلّها بهذا الدين عن طريق الكتب التي حملتها الرسل مفوضة من سيدنا رسول الله (ص) يعرضه على الملوك والرؤساء، في سطور مقتضبة قليلة. و ... هو كل ما سمحت به نفس الخواجا جرجي زيدان سطور قليلة عن الإسلام لا يتجاوز الأربعة أسطر، في رواية يقول إنها تاريخية تتحدث عن فتح مصر بالإسلام. فكيف يصحّ بعد هذا أن نعتبرها رواية تاريخية إسلامية؟!

۲. لم یعن جرجی زیدان فی معظم روایاته بالجانب التَّاریخیِّ عُنایتَه و ترکیزه علی الجانب الغرامیِّ، فنراه یقوم بعقد علاقة حبّ بین أکاردیوس قائد حصن الرُّوم بمصر و أرمانوسه، فی نفس الوقت الذی یعقد علاقة حبّ أخرى وطیلة بین أرمانوسه و قسطنطین. ... وهكذا تتحوّل رواية الفتح الإسلامي — علی يد الخواجا جرجی زیدان إلی قصص غرامیّة و علاقات حبّ!! کُلّ ذلك حتّی ینتهي من خلالها إلی نتیجة واحدة حرص علیها کُلّ الحرص و هی التقلیل والتّهوین من شأن التّضحیات الجسمیّة الّتی قدّمها أبطال المسلمین الأول من أصحاب رسول الله (ص) فی فتح البلدان و الأمصار وأنه کان بسبب اشتغال القادة الرُّومان بعلاقات الحبّ والغرام

۳. عربها، مردمی باشهامت، جنگاور و شجاع‌اند و اگر سرزمینی را فتح کنند و پادشاهانش را به تبعیت وادارند و... جای شگفتی نیست.

۴. مسیحیان، اهل کتاب‌اند و رسول الله (ص) بر ما نسبت به آنان، سفارش نیک نموده است.

۵. خداوند بعد از من، مصر را به تصرف شما در خواهد آورد. با قبلی‌های آنجا رفتارمساومت آمیز داشته باشید؛ چرا که شما با آنان معامله و پیوند خویشاوندی خواهید داشت.

۶. ای مسلمانان و ای مؤمنان، ای حاملان قرآن و یاوران رسول الله (ص)، ما هم‌اینک به جنگ با رومیان می‌رویم. پس مردانه صبر کنید، ثابت قدم باشید و صف‌هایتان به هم نریزد و نیات خود را آشفته مسازید. هر گامی که برمی‌دارید، خدا را به یاد داشته باشید، تا زمانی که آنان جنگ را شروع نکرده‌اند، شما شروع نکنید. نیزه‌هایتان را بالا نگه دارید و زره‌هایتان را بر تن داشته باشید و فقط خدا را بر زبان بیاورید و تا فرمان ن داده‌ام، کاری نکنید.

۷. فقد انحصر دور جرجی زیدان فی إعطاء القاریء فکرة عن کُلّ شخصیّة، دون أن یتیح للقاریء فرصة للتّعرف علیها من خلال تحرّکها لأداء دورها ... ففي حدیثه عن عمرو بن العاص مثلاً لا یقدّمه للقاریء إلّا علی أنّه قصیر القامة وافر الهامة أدعج أبلج، علیه ثیاب مرشّاة کأنّها العقبان ... مجرد صفات عامّة لیس من شأنها ولا یتوصّل من خلالها الی تحدید شخصیّة زعیم کبیر و قائد اسلامیّ عظیم، کعمرو بن العاص ...

۸. هكذا تقدّم الرّواية الصّدیقة بنت الصّدیق أم المؤمنین رضی الله عنها علی أنّها السّاعیة لسفک الدّماء و الّتی لا تصغی إلی سعاة السّلام ... وهكذا تقدّم الرّواية الجرجانیّة أم المؤمنین رضی الله عنها فی صورة المرأة الغاضبة المتشنّجة من خلال تمّ کاذبة مفتراة، زاعمة أنّها ألّبت النّاس علی قتل عثمان و حکمت بکفره

۹. عایشه: ما در صلح به سر می‌بردیم، ولی نمی‌دانیم چه چیزی باعث شد که پیمان صلح را نقض کنند ... اسماء: ولی آن‌ها نیز گمان می‌کنند که شما پیمان صلح را نقض کرده‌اید. عایشه: ما شب را در صلح بودیم تا اینکه صبح بیدار شدیم و دیدیم که با ما می‌جنگند!!

۱۰. امام علی^(ع) به یاران خویش فرمود: کسی را بفرستید تا اعلام کند هرکسی که فرار می‌کند، دنبال نکنند و زخمی‌ها را نکشند و به خیمه‌های دشمن وارد نشوند.
۱۱. إنَّ القاريء لرؤية عذراء قريش يخرج منها بانطباع إجمالي و نتيجة غاية في الغرابة و هي أنَّ شخصيَّة أسماء الفتاة النصرانيَّة البطلة الخياليَّة، أكثر بطولة و شهامة و عقلائيَّة و أخلاقاً و حرصاً على أمور المسلمين من شخصيَّة أم المؤمنين عائشة رضي الله عنها و أنَّ القاريء عندما يتأمل قول هذه البطلة النصرانيَّة عن الأحداث التي تبعت وقعة الجمل «أثنا والله الفتن تطل برأسها البغيض.»
۱۲. ... وهكذا تقدم الرواية الجرجانية — أمير المؤمنين عثمان — على أنه حاكم غادر بأموال المسلمين يأخذها لنقسم و يضعها في بيته، في الوقت الذي يعلم فيه كل مسلم صغيراً كان أو كبيراً و ...

منابع

قرآن کریم.

- أبوخليل، شوقي، جرجي زيدان في الميزان، دمشق، دارالفكر، ۱۹۹۸.
- اكبرزاده، زيبا، «نقد و بررسی رمان‌های جرجي زيدان»، كتاب ماه ادبيات، شماره ۲۷، ۱۳۸۸.
- پرويني، خليل، «جاىگاه جرجي زيدان در داستان‌نويسى معاصر عربى»، مجله علمى - پژوهشى انجمن زبان و ادبيات عربى، شماره ۲، ۱۳۸۵.
- جر، خليل، فرهنگ لاروس، ترجمه حميد طبيبيان، ج ۲، تهران، اميركبير، ۱۳۸۶.
- حسن، محمد عبدالغني، جرجي زيدان، القاهرة، الهيئة المصرية للتأليف و النشر، ۱۹۷۰.
- الدسوقي، عمر، في الأدب الحديث، بيروت، دارالثقافه، ۲۰۰۱.
- دواره، فؤاد، مقدمه ۱۷ رمضان، بيروت، دارالعلم للملايين، ۲۰۰۰.
- الديب، محمد مسعد، القصة التاريخية الاسلامية في مصر، القاهرة، دارالعلم للملايين، ۱۹۹۸.
- زيدان، جرجي، ارماتوسه المصريه، بيروت، دارصادر، ۱۹۹۸.
- _____، عذراء قريش، بيروت، دارصادر، ۱۹۹۸.
- السيوطي، عبدالرحمن، تاريخ الخلفاء، تحقيق احمد ابراهيم زهوه، بيروت، دارالكتاب العربي، ۲۰۱۰.
- سيدرضى، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتى، قم، دارالعلم، ۱۳۸۴.
- شهيدى، سيدجعفر، تاريخ تحليلي تا پايان امويان، تهران، مركز نشر دانشگاهى، ۱۳۶۳.
- الصاوي، محمود، كتابات جرجي زيدان، بيروت، دارالهداية للنشر، ۲۰۰۰.
- طبرى، محمد بن جرير، تاريخ طبرى، ترجمه ابوالقاسم پاينده، تهران، بنياد فرهنگ ايران، ۱۳۵۲.
- عصام، محفوظ؛ حوار مع رواد النهضة العربية، بيروت، دارالايمان، ۱۹۹۸.
- عبدالمقصود، عبدالفتاح، امام على^(ع)، ترجمه سيدمحمد جعفرى، تهران، هرمس، ۱۳۷۲.
- القاعدود، محمد حلمي، الروايه في أدبنا الحديث، بيروت، دارالعلم للملايين، ۲۰۰۹.

- المخص، محمد عبدالجواد، *روایات جرجی زیدان*، لا مکان، مكتبة النهضة المصرية، ۲۰۰۴.
- محمد، یوسف نجم، *القصة في الأدب العربي الحديث*، بیروت، دارالثقافة، ۱۹۷۶.
- معتمدی آذری، پرویز، *قالب‌های رمان*، تهران، روزگار، ۱۳۸۱.
- میرصادقی، جمال، *ادبیات داستانی*، تهران، سخن، ۱۳۷۹.
- _____، *عناصر داستان*، تهران، سخن، ۱۳۸۵.
- ناظمیان، هومن، «رمان‌های تاریخی جرجی زیدان بر پایهٔ مکتب رمانتیسزم»، *مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه سمنان*، شمارهٔ ۴، ۱۳۸۴ش
- الواقدي، محمد بن سعد، *الطبقات*، ترجمهٔ محمد مهدی دامغانی، تهران، فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۴.
- ولی‌نیا، بهارک و ابراهیم محمدی، «نوع‌شناسی تطبیقی رمان تاریخی عربی و فارسی»، *کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی*، سال سوم، شمارهٔ ۱۱، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی، ۱۳۹۲.
- هلال، محمد غنیمی، *ادبیات تطبیقی*، ترجمهٔ مرتضی آیت‌اله‌زاده شیرازی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳.
- الیوسف، یوسف سامی، *الرواية و التاريخ*، بیروت، اتحاد الکتاب العربی، ۲۰۰۹.

Archive of SID